

امتهای گذشته در دنیای غرب بدون پیامبر نبوده‌اند

حضرت آیت‌الله جوادی آملی با اشاره به اینکه وجود نبوت قطعی است و برهان عقلی در این باره وجود دارد و این نبوت عامه است...

مفسر بزرگ قرآن آیت‌الله العظمی جوادی آملی:

امتهای گذشته در دنیای غرب بدون پیامبر نبوده‌اند

حضرت آیت‌الله جوادی آملی با اشاره به اینکه وجود نبوت قطعی است و برهان عقلی در این باره وجود دارد و این نبوت عامه است، همین نبوت عامه را در آیات مختلف ذکر کرد و فرمود هیچ امتی در هیچ زمانی بدون پیامبر نبود، در سوره غافر فرمود انبیا فراوان هستند، قصه برخی‌ها را گفتیم و قصه برخی‌ها را نگفتیم. گفت: خداوند بعد از ذکر داستان پیامبران می‌گوید که بروید و در سرگذشت آنان تحقیق کنید، زیرا رفتن به آن طرف اقیانوس آرام و اقیانوس هند سخت بود و ممکن بود این مطلب سبب نپذیرفتن قرآن شود [و تنها انبیائی را که در منطقه نزدیک مبعوث شده بودند ذکر کرده است].

حضرت آیت‌الله عبدالله جوادی آملی دیروز سه‌شنبه در ادامه تفسیر سوره مبارکه غافر در درس خارج تفسیر خود که در مسجد اعظم برگزار می‌شود، با طرح برخی از پرسش‌های جلسه گذشته گفت: قرآن کریم و سایر کتاب‌های آسمانی محکمت دینشان را با برهان قطعی بیان می‌کنند و آن‌ها را منبع و مرجع سایر مطالب می‌دانند و اگر متشابهاتی باشد آن‌ها را به محکمت ارجاع می‌دهند.

وی ادامه داد: همه مردم در سطح ادراک محکمت نیستند، لذا مثل‌هائی را خداوند اتخاذ می‌کند که پائین آوردن دامن مطلب بلند و بالا بردن دست مخاطب کار این مثل است، خداوند در قرآن مثل‌های بسیاری زده است، اگر تمثیل تشبیه و مانند آن شد بالاخره با فرهنگ محاوره همراه است، فرهنگ محاوره مادامی است که زیرپوشش محکمت باشد.

مؤلف کتاب مفاتیح الحیات اظهار کرد: قرآن کریم که معارف بلند و عمیق عروج و دنی فتدلی را بازگو می‌کند، مثل‌هائی هم ذکر می‌کند، برهان تمناع(*) با همه پیچیدگی‌هائی که دارد که برخی از بزرگان در این قضیه به اشتباه رفته‌اند، قرآن کریم در مثل‌های گوناگون آن قدر فهم این برهان تمناع را پائین آورد تا توده مردم آن را بفهمند.

وی افزود: برای دیگر مخاطبان اگر در حد عالم ملک باشد با عربی مبین تماس پیدا می‌کنند اما اگر در حد عالم اعلی باشند، علم‌شان شهودی است، این قرآن عربی مبین است اما اوج این قرآن نه عبری و نه عربی و نه تازی و نه فارسی است، در بخش واقعیت جز علی حکیم چیز دیگری نیست و فرهنگ محاوره و تشبیه و تمثیل راه ندارد.

مفسر برجسته قرآن کریم با بیان این که گاه انسان در محاورات می‌گوید فلان انسان معصوم یا عادل یا وقت‌شناس اگر قراری بگذارد بر سر قرار خود هست، اظهار کرد: این یک طرز حرف زدن است اما گاه گفته می‌شود که فلان کس که قرار گذاشت اگر آن وقت فرار کنید، نه زودتر می‌آید و نه دیرتر، از این رو قرآن درباره مرگ دو گونه تعبیر دارد، می‌فرماید وقتی مرگشان رسید نه زودتر می‌آید نه بعد از آن می‌آید.

وی گفت: در سوره مبارکه انعام آمد که دو اجل وجود دارد، یک اجل مقضی و دیگری اجل مسمی است و همه تقدیرات عالم براساس اجل مسمی است، اما اجل مقضی دست خود انسان است، ذات اقدس اله فرمود اگر فردی بهداشت را رعایت کند، صدقه بدهد و دعا کند عمر بابرکت و طولانی می‌کند، اما اگر رعایت نکند عمر کوتاهی دارد که این در حیطه قضا می‌گنجد.

* خاور دور و باختر دور بدون پیامبر نبوده‌اند

حضرت آیت‌الله جوادی آملی بیان کرد: این که این شخص کدام راه را انتخاب می‌کند خداوند می‌داند، می‌داند که آن فرد با اختیار خود این راه به دست آوردن عمر طولانی را طی می‌کند یا با اختیار خود راه کوتاه بودن عمر را طی می‌کند که این اجل مسمی می‌شود که نزد خداوند است، این اختیار انسان در عین عالم بودن خداوند می‌شود.

* کسی می‌تواند شفاعت کند که مأذون باشد

وی با اشاره به این که در تفکر جاهلی بت‌ها را مستقل می‌پنداشتند، خاطر نشان کرد: شفیع بودن وثن و صنم را بالاستقلال برای بت‌ها می‌دانند، پاسخ قرآن این است که کسی می‌تواند شفاعت کند که مأذون باشد، اما مشرکان بت‌ها را مستقل می‌دانستند، همین‌ها هم از پیامبر(ص) تقاضای معجزه بالاستقلال می‌کردند، برخی هم در فضای اسلامی هم با تفکر جاهلی حرف می‌زنند.

مؤلف کتاب مفاتیح الحیات ابراز کرد: خیلی از ماها غافلا این حرف را می‌گوییم که ما خودمان چندین سال زحمت کشیدیم و عالم یا کاسب شدیم، این همان اسلامی فکر کردن و قارونی حرف زدن است، اصرار ائمه(ع) در ادعیه که «الهم ما بنا من نعمه فمکن»، یعنی اگر خواستیم بگوییم به جایی رسیدیم یعنی با عنایت خداوند و کمک او به این جا رسیدیم، ما باذن خداوند به این جایگاه رسیدیم.

وی با قرائت آیه «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَن قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَّن لَّمْ تَقْصُصْ عَلَيْهِ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا يَدُّنَ اللَّهُ فِئْدًا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ (78)»، ادامه داد: وجود نبوت قطعی است و برهان عقلی در این باره وجود دارد و این نبوت عامه است، همین نبوت عامه را در آیات مختلف ذکر کرد و فرمود هیچ امتی در هیچ زمانی بدون پیامبر نبود، در سوره غافر فرمود انبیا فراوان هستند، قصه برخی‌ها را گفتیم و قصه برخی‌ها را نگفتیم. حضرت آیت‌الله جوادی آملی با اشاره به این که داستان پیامبران خاور دور یا باختر دور در قرآن ذکر نشده ادامه داد: شاید نقل نکردن قصه پیامبرانی که آن طرف اقیانوس آرام هستند به این دلیل است که خداوند بعد از ذکر داستان پیامبران می‌گوید که بروید و در سرگذشت آنان تحقیق کنید، زیرا رفتن به آن طرف اقیانوس آرام و اقیانوس هند سخت بود و ممکن بود این مطلب سبب نپذیرفتن قرآن شود، این به آن معنا نیست که آن جا پیامبری نداشت.

* دعا و اشک برای ریزش باران رحمت الهی تأثیر دارد

وی بیان کرد: مردم مرتب به پیامبران می‌گفتند که معجزه بیاورید و از پیامبر ما نیز خواستند که پیامبر(ص) می‌فرمود قرآن معجزه است، اما اگر معجزه آمد و مردم ایمان نیاوردند آن گاه خداوند «قضی بینهم» و یا در دنیا یا در قیامت میان آنان داوری می‌کند، آنان جاهلی حرف می‌زدند و از پیامبر بالاستقلال تقاضای معجزه می‌کردند.

مفسر برجسته قرآن کریم افزود: خداوند در آیه محل بحث فرموده هیچ پیامبری این گونه نیست که بدون اذن خداوند معجزه بیاورد، اما بدانید که معجزه ابتدائی با معجزه اقتراحی فرق دارد، اگر پیشنهاد دادید همچون پیشنهادی که به صالح(ع) دادید و شتر او را پی کردید، کار تمام می‌شود و حالا اجرای آن قضا یا در دنیا است یا در آخرت است، عذاب قطعی است، امر الهی که بیاید باطل شدگان زیان و ضرر می‌کنند.

وی با تأکید بر این که تنها مرگ نزد خداوند اجل مسمی ندارد، ابراز کرد: هر چیزی همچون باران و دعا نزد خداوند به مقدار است، باران، برف و تگرگ این طور است، اگر انسان بخواهد از باران مناسب استفاده کند این ناله‌ها اشک‌ها و دعاهای باران لازم است، عالم با این چیزها اداره می‌شود، رایگان و بدون بها خداوند کاری را انجام نمی‌دهد، خداوند اگر می‌خواست عذاب را به خاطر گناهان مردم بفرستد هیچ جنبنده‌ای باقی نمی‌ماند.

حضرت آیت‌الله جوادی آملی گفت: گاه انبیا و مؤمنان به دلیل تأخیر نصرت الهی می‌گویند که «متی نصرالله»، این که مؤمنان و پیامبر(ص) می‌گویند استدعا است و به این معنا است که خداوند یاریات را بفرست و ما نیاز به این یاری داریم اما دیگران و ضعیف‌الایمان‌ها با این جمله می‌گویند که خداوند یاریات دیر شد، کمک و نصرت تو کجاست؟ این دو با هم بسیار متفاوت است.

وی ابراز کرد: تنها مشکل شما این است که همان طور که یک عده ظلم می‌کنند و حق دیگران را ضایع می‌کند، یک عده هم ظلم می‌کنند و حق حیوانات را از بین می‌برند، این خشک‌سالی به حیوانات هم آسیب می‌رساند، خداوند فرمود این‌ها عاقله من هستند، هیچ مار و عقربی نیست که پرونده و سهمیه نداشته باشد اما گناهان باعث می‌شود که روزی آنان به آن‌ها نرسد.

* وظیفه مسلمانان قیام، برای رساندن پیام انبیا به مستضعفان است

مفسر برجسته قرآن کریم اظهار کرد: بخشی از مردم مستضعف هستند به این معنا که در جایی زندگی می‌کردند که مستکبران نگذاشتند، حرف انبیا به آنان برسد، آن‌هایی که مقصرانه در تقلید تحقیق نکردند گرفتار عذاب هستند اما مستضعفانی که مستکبران نگذاشتند، وظیفه همه مسلمانان این است که با براندازی مستکبر و با تبلیغات حرف انبیا را به مستضعف برساند.

وی گفت: خداوند در سوره نساء عتاب‌گونه بیان کرده است که چرا در راه خداوند و در راه مستضعفان جهاد نکردید، همواره مستکبران نمی‌گذاشتند که حرف انبیا به توده مردم برسد و اگر سخن انبیا به آنان می‌رسید برابر فطرت حرف انبیا را قبول می‌کردند، مستکبران از راه خدا بازدارنده بودند.

حضرت آیت‌الله جوادی آملی با اشاره به این که هر ملتی پیامبر و امام و حجتی دارد، اظهار کرد: اگر مستضعفی وجود داشته باشد بر دیگران فرض است که حرف انبیا را به این مستضعفان برساند، انبیا قبلی در راه تبلیغ صبر کردند و خداوند به پیامبر(ص) نیز توصیه کرد که تو نیز صبر کن: «فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَإِمَّا نُرَبِّتَكَ بِعِضِّ الذِّی نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَّوَفِّتَكَ فَإِلَيْنَا يَرْجِعُونَ (77)».

(* توضیح اعتدال:

تمانع مصدر باب تفاعل از ریشه (م - ن - ع) و به معنای اجتناب کردن و سرباز زدن از چیزی است [تاج‌العروس، ج 11، ص 463-465، «منع»] و در اصطلاح متکلمان، تمانع نام یکی از مهم‌ترین براهین توحید و به معنای آن است که هریک از دو خدای قادر کاری بکند که مانع فعل دیگری باشد [شرح الاصول الخمسه، ص 187]؛ گویا متکلمان در این اصطلاح و ارتباط آن با معنای لغوی «تمانع» چنین فرض کرده‌اند که هریک از دو خدای مفروض از پذیرش خواسته خدای دیگر سرباز می‌زند، به هر تقدیر در وجه نامگذاری این برهان به تمانع گفته شده است که استدلال در آن مبتنی بر فرض ممانعت دو خدای فرضی از کار یکدیگر است. [التحریر و التئویر، ج 17، ص 41] برخی به اعتبار استوار بودن بنیان برهان بر هماهنگی و وحدت نظام جهان، آن را برهان «وحدت و هماهنگی» نیز نامیده‌اند. [پیام قرآن، ج 3، ص 177-178]

منبع: [/http://www.maarefquran.com/Files/viewdmaarefBooks.php?bookId=5](http://www.maarefquran.com/Files/viewdmaarefBooks.php?bookId=5)